

مطالعه انسجام‌های معاشرتی، اظهاری، ساختاری و رابطه آنها با یکدیگر در خانواده‌های تهرانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۵۳۳۹۳

خدیجه سفیری^۱، افسانه کمالی^۲، زهرا ملا^۳

چکیده

از میان انواع روابط خانوادگی که در تحقیقات جامعه‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده که رابطه‌ای در دوره بزرگسالی است، کمتر توجه شده است. لذا، در تحقیق حاضر با استفاده از مدل مفهومی انسجام خانوادگی که اشاره دارد به پیوستگی میان والدین و فرزندی که منزل پدری را ترک کرده و زندگی جدید خود را بنا نهاده‌اند به بررسی سه بعد از ابعاد انسجام خانوادگی (انسجام معاشرتی، اظهاری، ساختاری) می‌پردازیم. این پژوهش با روش پیمایش، ابزار پرسشنامه، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با نمونه‌ای مشتمل بر ۲۵۶ نفر که شامل فرزندان ازدواج کرده ۲۰ تا ۶۰ ساله‌ی سه منطقه از شهر تهران است، به اجرا درآمد. نتایج نشان دادند که میزان انسجام معاشرتی و اظهاری در خانواده‌های تهرانی بالاتر از حد متوسط است و از میان مولفه‌های انسجام ساختاری، می‌توان گفت که فاصله جغرافیایی و متغیر ترتیب تولد تنها با انسجام معاشرتی رابطه داشته‌اند؛ همچنین متغیر وضعیت سلامتی والدین و فرزندان ازدواج کرده، با انسجام معاشرتی و نیز انسجام اظهاری رابطه برقرار نمودند؛ در ادامه متغیر وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده (والدین بودن فرزندان ازدواج کرده) با هر دو انسجام معاشرتی و اظهاری رابطه داشت. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که ۳۳،۴ درصد از تغییرات انسجام معاشرتی و ۲۰،۵ درصد از واریانس انسجام اظهاری به‌واسطه متغیرهای مورد نظر تبیین شده‌اند.

واژگان کلیدی: انسجام معاشرتی، انسجام اظهاری، انسجام ساختاری، رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده

۱- دکتری جامعه‌شناسی و استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

۲- دکتری جامعه‌شناسی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

۳- کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی، دانشگاه الزهرا، نویسنده مسئول، Zahra_molla@yahoo.com

۱- مقدمه

زمانیکه مرداک در سال ۱۹۴۹ تعریف خود از خانواده را بدین صورت " خانواده گروهی اجتماعی است که به واسطه سکونت مشترک، همکاری و تعاون اقتصادی و تولید مثل مشخص می‌شود. خانواده شامل افراد بزرگسال هر دو جنس می‌شود که دست کم دو نفر از آنها رابطه جنسی مورد تصویب اجتماعی با یکدیگر دارند و یک یا چند فرزند که متعلق به بزرگسالان هم‌بالین است، خواه فرزند خودشان باشد و خواه به فرزندی پذیرفته باشند (اوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۴۱۳)" ارائه داد، شاید هرگز تصور نمی‌شد روزی فرا برسد که تعریف این محقق به عنوان تعریفی که ویژگی‌های جهان‌شمول خانواده را مدنظر قرار داده است، دیگر به کار نیاید و شکل و ساختار خانواده به گونه‌ای تغییر کند که نگاه‌ها و برداشت‌های مختلفی به آن شکل گرفته و بر اساس آنها تحقیقات فراوانی انجام بگیرند تا تغییرات و تفاوت‌های همه‌جانبه‌ی خانواده امروزی با خانواده در گذشته را نمایان سازند. زمانیکه جامعه به سمت صنعتی شدن حرکت کرد، خانواده نیز بر اثر پیامدهای مدرنیته و صنعتی شدن، هم‌چون دیگر جنبه‌ها و ابعاد جامعه بدون تغییر نماند و در طول زمان و متناسب با الزامات جامعه‌ی مدرن، تغییرات جدیدی را به خود دید. تغییر ابعاد و نوع خانواده از گسترده به هسته‌ای، افزایش نرخ اشتغال زنان، تغییر در سیستم ازدواج به عنوان پیوندی مقدس، افزایش نرخ طلاق، جایگزینی هم‌خانگی به جای ازدواج‌های رسمی، افزایش تولد فرزندان خارج از چارچوب ازدواج، شکل‌گیری خانواده‌های تک‌والدی و هم‌چنین ازدواج هم‌جنس‌گرایان با یکدیگر از جمله تغییرات سریعی است که خانواده در طی چند دهه گذشته تجربه نموده است. این تغییرات، برداشت‌هایی را در بین محققان حوزه خانواده در پی داشت. یکی از این برداشت‌ها بیانگر نظریه زوال و یا تضعیف رو به رشد خانواده است و حتی فرض از دست رفتن انگاره خانواده هسته‌ای را دنبال می‌کند (بوژنکو، ۲۰۱۱). برداشت دیگر ثبات را در کنار تغییر می‌بیند و نگرانی در مورد فروپاشی خانواده را نگرانی جدیدی ندانسته و معتقد است این نگرانی از گذشته تا حال و در تمامی دوره‌ها وجود داشته است (مک‌کارتی و ادوارز، ۱۳۹۰: ۲۷۶). نقطه اتصال این دو برداشت، مفهومی است به نام انسجام خانوادگی که برداشت اول، آن را به زیر سوال می‌برد و برداشت دوم آن را تایید می‌کند. انسجام خانوادگی که نشان‌دهنده پیوستگی بین نسلی بعد از زمانی است که فرزندان به بزرگسالی می‌رسند و شغل خویش را بنا می‌نهند (بنستون و روبرت، ۱۹۹۱: ۸۵۶) به رابطه والدین و فرزندان در دوران بزرگسالی اشاره دارد که نسبت به دیگر دوره‌ها در چرخه زندگی خانواده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس بسیاری از محققان به این مفهوم علاقه نشان دادند و بنیان بسیاری از تحقیقات را پایه‌ریزی کردند. در ایران نیز اگرچه شاهد تغییرات در خانواده از نوع تغییرات موجود در دنیای غرب نیستیم اما متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه کنونی، خانواده تغییرات خاص خود را داشته که در پی آن می‌توان ادعا نمود رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده نیاز به بررسی و توجه دارد.

۲- بیان مسئله

چرخه زندگی خانواده به عنوان نظامی اجتماعی که عضویت در آن بر اساس پیوندهای زیستی، قانونی، عاطفی، جغرافیایی و تاریخی است و بر خلاف سایر نظام‌های دیگر، ورود به آن فقط از طریق تولد، فرزندخواندگی، قبول سرپرستی کودک یا ازدواج انجام می‌گیرد و هم‌چنین اعضا صرفاً به‌واسطه مرگ یا طلاق قادر به ترک آن هستند، دارای مراحل است که مهم‌ترین آن عبارتند از: ۱. تجربه اندوزی در خانواده اصلی، ۲. استقلال و آماده شدن برای ترک منزل، ۳. نامزدی و عقد، ۴. زوجین بدون فرزند، ۵. خانواده با فرزندان کوچک، ۶. خانواده با فرزندان نوجوان، ۷. بیرون رفتن فرزندان و سندرم آشیانه خالی، ۸. انتهای زندگی (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۸۴).

با نگاهی به مراحل چرخه زندگی می‌توان اینگونه استدلال کرد که فرد در مرحله اول - تجربه اندوزی در خانواده اصلی - را از همان بدو تولد آغاز می‌کند و در زیر سایه والدین به کسب تجربیات و مهارت‌های گوناگون می‌پردازد. در کنار رشد اجتماعی فرد در خانواده، پایه‌ی روابط عاطفی‌اش نیز بنیان گذاشته می‌شود و رابطه‌ی بچه با والدینش در دوران طفولیت، با درجه بالایی از وابستگی و تعلق خاطر نسبت به والدین و به خصوص مادر ترسیم می‌شود. با طی شدن دوره طفولیت و رشد بچه، از میزان وابستگی او به والدین کاسته و کسب استقلال هدف اصلی زندگی بچه‌ای می‌شود که اکنون به عنوان فرد بزرگسال شناخته می‌گردد. وقتی کسب استقلال جز لاینفک زندگی فرد شد، جدایی او از والدین معنای جدی‌تر به خود می‌گیرد. بوژنکو معتقد است که عمل جدایی، فرزند بزرگسال را در موقعیتی برابر و هم‌رتبه با والدینش قرار می‌دهد یعنی فرزندی که اکنون از والدین جدا شده، موقعیت یک بزرگسال را بدست آورده و در نتیجه هم او و هم والدینش در نقش بزرگسالی اشتراک پیدا می‌کنند (بوژنکو، ۲۰۱۱). از منظر ورگا، لحظه‌ی محوری در فرایند جدایی در دوران جوانی آغاز می‌شود، زمانی که فرد زندگی‌اش را تثبیت می‌کند. او از دو نوع تغییر یا جدایی ساختاری و عاطفی نام می‌برد که جدایی ساختاری بر تغییرات اجتماعی و جغرافیایی دلالت دارد که بین والدین و فرزندان بزرگسال اتفاق می‌افتد و معمولاً منجر به این می‌شود که فرزندان خانه والدینشان را ترک کنند، به عنوان مثال به خانه دیگری نقل مکان کنند و یا ازدواج نمایند؛ و جدایی عاطفی، که معنای همکاری را در خود مستتر دارد بدین معنا که والدین و

فرزندان، روابط بزرگسال-بزرگسال را بدون سلسله مراتب یا وابستگی عاطفی تجربه می‌کنند (ورگا، ۲۰۱۱). بعد از جدایی فرزند بزرگسال از والدین (در تحقیق حاضر از میان دلایل موجود برای جدایی فرزند از والدین، تنها ازدواج مورد نظر بوده است) مرحله هفتم از مراحل چرخه زندگی خانواده یعنی بیرون رفتن فرزندان از منزل پدری و روبه رو شدن والدین با سندرم آشیانه خالی^۲ شکل می‌گیرد. مطابق با نظر پاپالیا و همکارانش سندروم آشیانه خالی به معنای پایان یافتن فرزندپروری نیست، بلکه به منزله انتقال به مرحله‌ای جدید یعنی رابطه برقرار کردن والدین با فرزند ازدواج کرده است (پاپالیا و همکاران^۳، ۱۳۹۰: ۶۴۹). چرا که با جدایی فرزند از والدین به واسطه ازدواج و بیرون رفتن او از خانه پدری، هم او و هم والدین رفتار و راه‌های زندگی‌شان را تغییر می‌دهند به گونه‌ای که نحوه‌ی اظهارنظر کردن، رفت و آمدها، حمایت‌کردنها و ابراز علاقه‌ها تحت تاثیر عمل جدایی و ازدواج قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان گفت که روابط میان فرزندان و والدین بعد از ازدواج با تحولاتی همراه است که این تحولات می‌تواند با افزایش میانگین سن ازدواج، و نیز گرایش به نومکانی زوج جدید، مورد توجه جدی قرار بگیرد.

میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۷۵، برای مردان ۲۵،۶ و برای زنان ۲۲،۴؛ در سال ۱۳۸۵ برای مردان ۲۶،۲ و برای زنان ۲۳،۳؛ و این رقم در سال ۱۳۹۰، برای مردان ۲۶،۷ و برای زنان ۲۳،۴ سال و نیز در سال ۱۳۹۵ برای مردان معادل ۲۷،۴ و برای زنان برابر با ۲۳ سال بوده است که در کل ارقام مذکور روند رو به افزایش سن ازدواج را به خوبی منعکس می‌کنند^۴. افزایش میانگین سن ازدواج منجر به برهم خوردن ساعت اجتماعی^۵ - یعنی مجموعه‌ای از هنجارها و انتظارات حاکم در اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند در مورد زمان مناسب برای وقوع رویدادهای خاصی در زندگی - می‌شود (پاپالیا و همکاران ۱۳۹۰: ۵۵۲). یعنی زمانی که فرد در زمان‌بندی مناسب و مورد انتظار ازدواج نمی‌کند یا به عبارتی دیگر در سنین بالاتر اقدام به تشکیل زندگی می‌نماید، مسئولیت‌های زندگی جدید، هنگامی خود را نشان می‌دهند که والدین او، سندروم آشیانه خالی و احساس تنهایی را در سنین بالاتری تجربه می‌کنند، در نتیجه نیاز والدین به فرزند ازدواج کرده دامن‌های گسترده‌تر به خود می‌گیرد در حالی که فرزند درگیری‌ها و مشغولیت‌های زندگی خویش را نیز بر دوش دارد. از سویی دیگر گرایش به نومکانی که فرآیندی اجتناب‌ناپذیر در ساختار خانواده هسته‌ای در ایران است، رو به افزایش دارد به طوری که ۶۱،۵٪ پاسخگویان شهری در سال ۱۳۸۲ مخالف زندگی فرزندان پس از ازدواج در کنار پدر و مادرند و فقط ۲۶،۲٪ موافق گزاره‌اند، و زنان به صورت قاطعی بیش از مردان با مسئله هم‌مکانی مخالفند و همچنین افراد تحصیل کرده مخالفت بیشتری ابراز داشته‌اند (عبیدی، ۱۳۹۳). هم‌چنین ضرورت مطالعه‌ی رابطه‌ی والدین و فرزندان ازدواج کرده، با تغییراتی که در ساختار جمعیتی ایران شکل گرفته، بیشتر خود را نمایان می‌سازد. با دقت در تغییرات ساختار جمعیتی می‌توان فهمید که میزان سالخوردگی در مقایسه با سالهای قبل رو به فزونی و میزان باروری و بعد خانوار رو به کاهش است. شاخص میزان سالخوردگی جمعیت^۶ در سال ۱۳۷۵ معادل ۴،۳۲، در سال ۱۳۸۵ برابر با ۵،۱۹ بوده و در سال ۱۳۹۰ معادل ۵،۷۲ و نیز در سال ۱۳۹۵ به ۶،۱۰ رسیده است که با عنایت به این روند صعودی، شاهد خاکستری شدن^۷ جمعیت ایران خواهیم بود. از طرفی دیگر بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ متوسط بعد خانوار در سال ۱۳۸۵، برابر با ۴ و این رقم در سال ۱۳۹۰ معادل ۳،۵ و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳،۳ بوده است. تعداد کم فرزندان و کاهش بعد خانواده، مواجهه سریع والدین با سندروم آشیانه خالی و تنها شدن آنان بعد از ازدواج تنها فرزند خانواده را با احتمال بیشتری امکان‌پذیر می‌کند، بنابراین وجود شبکه حمایتی غیررسمی که فرزندان در راس آن قرار می‌گیرند و نیز حس یکپارچگی میان اعضای خانواده، پایداری ارتباط والد-فرزندی، رفع حس تنهایی والدین و حفظ گرمای کانون خانواده با نقش حمایتی فرزندان ازدواج کرده اهمیت ویژه‌ای پیدا خواهد کرد. لذا رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده به عنوان رابطه‌ی درجه اول خوبشوندی می‌تواند پیوند و انسجام که بر جنبه‌های مثبت ارتباط مانند معاشرت؛ تعامل؛ گرمی و ... دلالت دارد، را سازمان‌دهی کند. با توجه به موارد مذکور می‌توان عنوان نمود که سوال اصلی تحقیق بر محور وجود و یا عدم وجود انسجام خانوادگی در خانواده‌های تهرانی می‌چرخد و با عنایت به این مهم، هدف از انجام پژوهش حاضر، سنجش میزان انسجام خانوادگی در سه بعد معاشرتی، اظهاری و ساختاری، و نیز سنجش رابطه آنها با یکدیگر است.

1 varga

2 Empty Nest Syndrom

3 Papalya et.al

۴. لازم به ذکر است که براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، برای اولین بار کاهش میانگین سن ازدواج در زنان مشاهده شده است که این رقم از ۲۳،۴ در سال ۱۳۹۰ به ۲۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

5 Social Clock

۶ شاخص میزان سالخوردگی جمعیت^۶ که حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت است.

۷. خاکستری شدن جمعیت یعنی نسبت جمعیت بالاتر از ۶۵ سال پیوسته رو به افزایش است و طی دهه‌های آینده نیز همچنان رو به افزایش خواهد بود (گیدنز، ۱۳۹۳)

۳- سوالات تحقیق

- آیا در میان خانواده‌های تهرانی، انسجام معاشرتی / اظهاری وجود دارد؟
- آیا انسجام ساختاری با انسجام معاشرتی / اظهاری رابطه معنادار دارد؟
- آیا انسجام اظهاری با انسجام معاشرتی رابطه معنادار دارد؟

۴- پیشینه تحقیق

کارل هولزورث در سال ۲۰۰۴ در سه کشور انگلستان، اسپانیا و نروژ، حمایت خانواده در هنگام گذر از خانه والدینی را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق از داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از والدین و فرزندان بزرگ با روش مصاحبه استفاده شد تا چگونگی حمایت خانواده از افراد جوانی که در خانه زندگی می‌کنند و یا در مرحله ترک خانه هستند را در این سه کشور بررسی گردد. نویسنده مقاله در این مطالعه در نظر دارد تا نوع حمایت فراهم شده، انواع استراتژی‌های اتخاذ شده در خصوص دادن و گرفتن حمایت و دیدگاه افراد جوان و والدین نسبت به نقش دولت را مورد کاوش قرار دهد. نتایج حاصله حاکی از این است که اگر چه استراتژی‌های دادن حمایت متغیر به نظر می‌رسد، اما حمایت خانواده به عنوان عامل کلیدی در آسان کردن ترک خانه در هر سه کشور ظاهر می‌شود. در انگلستان و نروژ، بیشترین تاکید والدین در متعادل کردن حمایت با یادگیری افراد جوان درباره مسئولیت است، چرا که حمایت بیش از اندازه را برابر با لوس شدن فرزند دانسته و معتقدند که اثر زیانباری بر روی استقلال و مسئولیت افراد جوان دارد؛ در حالی که خانواده‌های اسپانیایی، بیشترین تاکید را بر پشتیبانی از سلامت مادی افراد جوان داشتند، آنها با احتمال کمتری حمایت از فرزندان را با لوس کردن برابر دانسته‌اند و بیشتر نگران استاندارد زندگی فرزندان بودند.

تلخی همراه با شیرینی، استراتژی‌های والدین برای کنترل دوگانگی در رابطه با فرزندان بزرگسال، عنوان مقاله ای است که اسپیتز و گالنت در سال ۲۰۰۴ با هدف بررسی دوگانگی‌های بین‌نسلی در خصوص رابطه والد-فرزند بزرگ به نگارش درآورده‌اند. این تحقیق به یافته‌های موجود در مورد دوگانگی‌های بین نسلی با تحلیل شرح رابطه با فرزندان بزرگ از طریق مصاحبه گروه متمرکز با والدین می‌افزاید. شرکت‌کنندگان در مصاحبه، والدین ۶۵ ساله و بیشتر با بیماری‌هایی مانند دیابت، آرتروز و ناراحتی‌های قلبی بودند. نتایج نشان داده است که شرکت‌کنندگان هنگام بحث در مورد فرزندان بزرگسالشان، میل زیادی هم برای خودمختاری و هم تماس نشان دادند، که منجر به دوگانگی در مورد دریافت کمک از سوی آنان می‌شود. والدین خودشان را مستقل تعریف می‌کردند اما امیدوار بودند که در زمان نیاز، کمک فرزندانشان در دسترس باشد. آنها از توجه بیش از اندازه فرزندان احساس اذیت می‌کنند اما از نگرانی که فرزندانشان ابزار می‌کنند، قدردان هستند. شرکت‌کنندگان از استراتژی‌های گوناگونی استفاده می‌کنند تا به احساسات دوگانه‌شان سروسامان دهند، استراتژی‌هایی مانند کاهش کمکی که دریافت می‌کنند، نادیده گرفتن یا مقاومت کردن در برابر تلاش بچه‌ها به منظور کنترل، دریغ کردن اطلاعات از بچه‌ها به جهت حفظ مرزها، جستجوی دیگران به عنوان محرم اسرار، و توجیه عقلانی دوگانگی فرزندان؛ نویسنده در انتها نتیجه می‌گیرد که این استراتژی‌ها نشان می‌دهد که والدین فعالانه برای تعادل در رابطه‌شان با فرزندان سعی می‌کنند.

جیل سویتر و کارل پیلر در سال ۲۰۰۷ تحقیقی در مورد ترتیب تولد فرزندان انجام داده و نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان **طرفداری مادران در دوره آخر زندگی، نقش ترتیب تولد فرزندان** به نگارش درآوردند. نویسندگان از داده‌های بدست آمده از رابطه ۴۲۶ مادر مسن با ۱۸۲۳ فرزند بزرگسالشان و با استفاده از تحلیل رگرسیون لجستیک به منظور بررسی رابطه بین ترتیب تولد و طرفداری والدینی استفاده کردند. تحقیق مذکور دو سوال را دنبال می‌کرد: آیا ترتیب تولد بر این که مادران به کدام فرزند به لحاظ عاطفی نزدیکتر هستند، موثر است؟ آیا ترتیب تولد بر این که مادران به کدام فرزند تمایل بیشتری دارند که به عنوان منبعی از حمایت عاطفی و کارکردی رجوع کنند، موثر است؟ یافته‌ها نشان دادند که ترتیب تولد پیوسته نقش مهمی را در توضیح طرفداری والدین از فرزندان ایفا می‌کند. به این ترتیب که آخرین فرزند بزرگسال متولد شده احتمال بیشتری دارد که به عنوان فرزندی نام بگیرد که مادران به آنها به لحاظ عاطفی نزدیکترند. فرزند اول متولد شده بیشتر محتمل است که به عنوان فرزندی که مادران به آنها در زمان مواجه با مشکلات یا بحرانهای شخصی رجوع می‌کنند، انتخاب شوند. فرزندان وسطی اساساً در انتخاب مادران جایی نداشتند، این نکته بسیار جالب به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تعداد فرزندان وسطی نمونه مورد مطالعه بیشتر از فرزندان اول و آخر بوده است. علاوه بر موارد فوق این نتیجه نیز حاصل گردید که بسیاری از مادران از این نکته آگاهی داشتند که ترتیب تولد نقش مهمی در انتخاب آنها برای فرزندان که احساس نزدیکی به آنان دارند و یا برای حمایت رویشان حساب بازی می‌کنند، ایفا می‌کند.

ناتالیا تالکاچوا و همکارانش در سال ۲۰۱۰ تحقیقی به نام **تاثیر خواهران و برادران در مراقبتی که فرزندان به والدین مسنشان می‌دهند**، را انجام داده و در آن تاثیر خصوصیات و رفتارهای خواهران و برادران را بر مراقبتی که فرزندان به

والدین ارائه می‌دهند، بررسی کردند. نمونه مورد مطالعه آنها ۱۸۶ والدین مسن نیازمند به مراقبت بود که حداقل ۲ فرزند بزرگسال داشتند. نویسندگان در نتایج خود اشاره داشتند که مدل رگرسیون چندگانه شواهدی مبتنی بر تلاش‌های پیوسته فرزندان در ارائه مراقبت را نشان می‌دهد به عبارتی دیگر هر چقدر خواهران و برادران مراقبت بیشتری ارائه دهند، فرزند بزرگسال نیز مراقبت بیشتری ارائه می‌دهد؛ و تعداد بیشتر خواهر منجر می‌شود به اینکه فرزند بزرگسال، مراقبت کمتری را ارائه دهد. همچنین نتایج آشکار می‌کند که فرزندان در ارائه مراقبت جانشین یکدیگر می‌شوند و همدیگر را حمایت می‌کنند. علاوه بر این نتایج حاکی از آن است که تعداد بیشتر خواهر و برادری که دارای همسر هستند و حمایت عاطفی کمتری که خواهر و برادر به والدین می‌دهند، منجر به ارائه بیشتر مراقبت از سوی فرزند بزرگسال می‌شود. و سرانجام این مطالعه نتایج گوناگونی از انسجام خواهر و برادری را در زمانی که والدین وابسته هستند، بازتاب می‌کند.

وارد، دبین و اسپیتز در تحقیقی به نام **تغییرات جریان زندگی و تماس والد- فرزند بزرگسال (۲۰۱۴)**، برای تحلیل تغییر در تماس والد-فرزند بزرگ از داده‌های دو موج پیمایش ملی خانواده و خانوار استفاده کردند. آنها در این تحقیق به این نتیجه دست یافتند که تغییر در نزدیکی جغرافیایی (مجاورت) والد- فرزند، وضعیت تاهل والد و فرزند، و نیز تغییر در موقعیت والدگری فرزند با تغییر در تماس والد-فرزندی رابطه دارد؛ زندگی مداوم همخانگی با دیگر فرزندان بزرگسال، با تماس با فرزندان که دیگر با والد همخانه نیستند، رابطه دارد؛ اما تغییر در سلامت والد بر تماس تأثیری ندارد.

لویی روسل در اثر خود تحت عنوان **"خانواده پس از ازدواج فرزندان"** سوالات یکسانی را با زوجهای جوان و زوجهای مستتری که می‌توانستند والدین آنها باشند مطرح کرد و منظور از این سوالات سنجش نزدیکی مسافت بین اقامتگاههای والدین و زوجهای جوان، میزان تماس بین آنان، نوع خدمات ارایه شده و نحوه انتقال اموال بود. نخستین نتیجه کار او، نزدیکی تعجب آور مسکن والدین و فرزندان متاهل بود. ۷۵٪ از فرزندان متاهل در فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتری از والدین خود می‌زیستند. گرچه نزدیکی جغرافیایی عامل تعیین کننده در تعداد برقراری تماس بین والدین و فرزندان نیست، اما به وضوح عاملی موثر است. (سگال، ۱۳۸۵)

لوری (۱۹۷۴) که درباره **جداشدن فرزندان از خانواده** بررسی‌هایی انجام داده است اظهار می‌دارد: هنگامیکه از نوه‌مسرانی که با والدین زندگی می‌کرده‌اند در مورد والدین آنها سوال شود، به طور کلی نسبت به افراد مسن تمایلات و احساسات منفی از خود نشان نمی‌دادند. نوجوانانی که در سالهای آخر دبیرستان بوده‌اند و با والدین خود زندگی می‌کرده‌اند، تمایلات مثبتی از خود نشان داده، ولی خود را چندان نزدیک به آنها ندانسته و احساس استقلال نمی‌کردند. نوه‌مسرانی که جدا از والدین زندگی می‌کرده‌اند دارای احساسات منفی بوده و تمایل به زندگی با پدران را ندارند. اما سه گروه مذکور احساسات مثبتی را نسبت به مادران داشته و آنها را کانون محبت خانواده می‌دانند (سیف، ۱۳۶۸: ۱۸۶).

۵- ادبیات نظری

از آنجایی که استفاده از مفهوم انسجام نه تنها در سطح کلان بلکه در سطح خرد نیز کاربرد دارد، در پژوهش حاضر با استفاده از مدل نظری و مفهومی بنستون، به بررسی مفهوم انسجام پرداختیم. از منظر بنستون و روبرت، انسجام خانوادگی نشان‌دهنده پیوستگی بین نسلی بعد از زمانی است که فرزندان به بزرگسالی می‌رسند و زندگی خویش را بنا می‌نهند. بنستون و روبرت شش بعد از روابط فرزند_والدین را نشان می‌دهند که از آنها با عنوان عناصر ضروری انسجام خانوادگی یاد می‌کنند. پنج بعد از این ابعاد گرایش‌های رفتاری^۱، عاطفی^۲ و یا شناختی^۳ والدین_فرزند ازدواج کرده را نسبت به هم بازتاب می‌کنند و عنصر ششم از انسجام خانوادگی، به فرصت‌های ساختاری مربوط می‌گردد که تعامل خانواده را هدف قرار داده و به معنی توانایی افراد برای کنش و واکنش است (بنستون و روبرت، ۱۹۹۱: ۸۵۷-۸۵۶). بر مبنای مدل ارائه شده از سوی بنستون، بررسی رابطه میان فرزند ازدواج کرده و والدین را از سوی فرزند به سمت والدین مورد نظر قرار داده و با توجه به مهم بودن بررسی آن، از میان ابعاد شش‌گانه انسجام خانوادگی، انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری به عنوان نمایندگان گرایش‌های رفتاری و عاطفی؛ و نیز انسجام ساختاری به عنوان شاخصی که بستر تعامل را برای زوج والد_فرزند فراهم می‌کند، انتخاب شده که چنین تعریف می‌شوند:

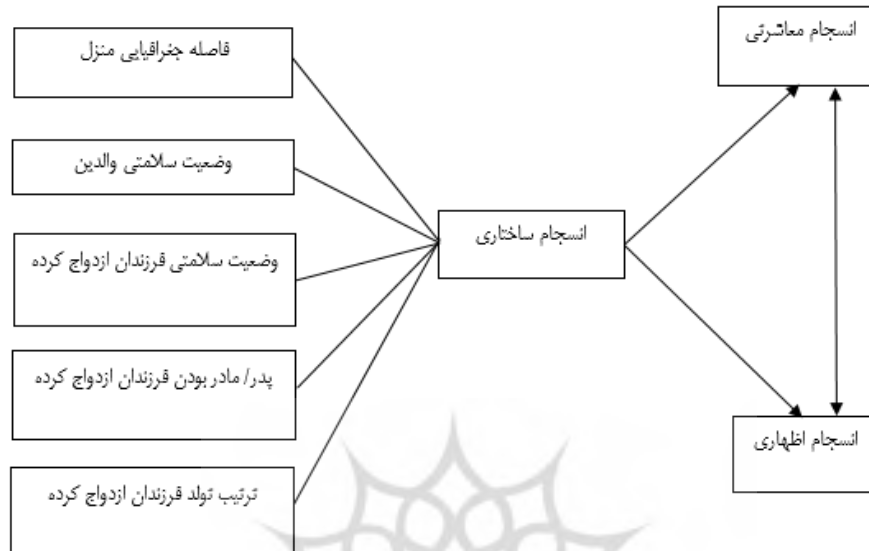
انسجام معاشرتی بیان‌کننده فراوانی الگوهای کنش متقابل در انواع فعالیت‌هایی است که اعضای خانواده در آن درگیر هستند. انسجام اظهاری نشانگر نوع و درجه‌ی احساسات مثبتی است که از اعضای خانواده حمایت می‌کند.

- 1 behavioral
- 2 affectual
- 3 cognitive

انسجام ساختاری که توانایی افراد برای کنش و واکنش است و شامل فاصله جغرافیایی منزل والدین و فرزندان ازدواج کرده، سلامتی والدین و فرزندان ازدواج کرده، وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده (بچه داشتن و یا نداشتن فرزند ازدواج کرده) و نیز ترتیب تولد آنان است.

۵-۱- مدل تحقیق

در نتیجه با توجه به اهمیت موضوع و نیز بر مبنای نظریه بنستون، مدل زیر، مدل مورد استفاده در این پژوهش است:



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۵-۲- فرضیات تحقیق

- بر مبنای چارچوب نظری و مدل تحقیق مورد استفاده فرضیه‌های زیر به عرصه آزمون درآمدند:
- میانگین انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در میان خانواده‌های تهرانی در چه حدی است؟
 - میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری رابطه معناداری برقرار است.
 - میان انسجام معاشرتی و اظهاری با انسجام ساختاری رابطه معناداری برقرار است.

۶- روش تحقیق

روش انتخابی ما در این تحقیق، روش کمی از نوع پیمایش است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام مردان و زنانی که حداقل یکبار ازدواج کرده و نیز حداقل یکی از والدین آنها در قید حیات بوده، و هم‌چنین ساکن یکی از مناطق ۳، ۸، و ۱۶ شهر تهران باشند، تشکیل می‌دهند. سه منطقه مذکور نمایندگان طبقات بالا، متوسط و پایین شهر تهران هستند که بر اساس تصادف انتخاب شدند. از میان روشهای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بهره‌برده و به منظور تعیین حجم نمونه، برای سه منطقه ۳، ۸، و ۱۶، جدول شماره ۱ که جدول توزیع جمعیت بر حسب سن، جنس و وضع سکونت در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ است را از مرکز آمار ایران تهیه نمودیم. در مرحله بعد تمام افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله را با کمک جدول مذکور در هر سه منطقه شمارش نموده و میزان جمعیت مورد نظر در هر منطقه را محاسبه نمودیم، و از حاصل جمع آنها، جمعیت کل را بدست آوردیم. سپس با کمک فرمول کوکران، حجم نمونه را تعیین نمودیم که برابر با ۲۵۶ بدست آمد. پرسشنامه محقق ساخته ابزار مورد استفاده، اعتبار صوری تعیین کننده دقت و میزان آلفای کرونباخ نشان‌دهنده پایایی ابزار اندازه‌گیری است.

جدول شماره ۱. مقدار آلفای کرونباخ انسجام‌های معاشرتی و اظهاری فرزندان ازدواج کرده با والدین

مقدار آلفا		مولفه‌ها
پدر	مادر	
۰,۷۲۹	۰,۶۶۶	انسجام معاشرتی
۰,۸۲۱	۰,۸۳۰	انسجام اظهاری

در پژوهش حاضر با کمک نرم‌افزار SPSS، برای بررسی فرضیه‌های رابطه‌ای از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، برای تحلیل فرضیه‌های مقایسه‌ای از آزمونهای تی مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده نمودیم. تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر نیز تکمیل کننده کار تحلیل در این پژوهش بودند.

۶-۱- تعریف عملیاتی

تعریف عملیاتی متغیرهای مورد بررسی که شامل انسجام‌های معاشرتی، اظهاری و ساختاری هستند را در جداول شماره ۲، جدول شماره ۳، و جدول شماره ۴ خواهیم دید.

جدول شماره ۲. تعریف عملیاتی انسجام معاشرتی

مفهوم	ابعاد	مولفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام معاشرتی	۱. فراوانی کنش و واکنش بین نسلی (مانند روابط رو در رو، تلفنی، ایمیلی)	چند وقت یکبار با پدر / مادران تلفنی صحبت می‌کنید؟ چند وقت یکبار به دیدن پدر / مادران می‌روید؟
		۲. انواع فعالیت‌های مشترک (مانند تفریحات، رویدادهای خاص و غیره)	چند وقت یکبار با پدر / مادران به گردش می‌روید؟ آیا جشن‌های خانوادگی اعم از تولدها و سالروزهای ازدواج و ... با پدر / مادران می‌گذرانید؟ آیا تعطیلات عید نوروز را با پدر / مادران می‌گذرانید؟

جدول شماره ۳. جدول تعریف عملیاتی انسجام اظهاری

مفهوم	ابعاد	مولفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام اظهاری	اندازه تظاهر احساسات، گرمی، نزدیکی، فهم، صداقت، احترام و ... نسبت به اعضای خانواده	چقدر نسبت به پدر / مادران احساس نزدیکی می‌کنید؟ چقدر به پدر / مادران ابراز محبت می‌کنید؟ چقدر در رابطه خود با پدر / مادران صداقت دارید؟ تا چه حد قادر به درک پدر / مادران هستید؟ چقدر برای پدر / مادران احترام قائل هستید؟

جدول شماره ۴. جدول تعریف عملیاتی انسجام ساختاری

مفهوم	ابعاد	مولفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام ساختاری	مجاورت مسکونی (فاصله جغرافیایی) ترتیب تولد وضعیت سلامتی فرزند و والدین پدر یا مادر بودن فرزندان	فاصله منزل شما تا منزل والدینتان چقدر است؟ فرزند چندم خانواده هستید؟ آیا شما در سلامت کامل به سر می‌برید؟ آیا شما قادر هستید کارهای مربوط به خویش را به تنهایی انجام دهید؟ آیا پدر / مادران در سلامت کامل به سر می‌برید؟ آیا پدر / مادران قادر هستند کارهای مربوط به خویش را به تنهایی انجام دهند؟ آیا شما دارای فرزند هستید؟

۷- نتایج

۷-۱- یافته‌های توصیفی

براساس اطلاعات حاصله از داده‌ها، ۵۷ درصد از پاسخگویان (فرزندان ازدواج کرده) را زنان و ۴۳ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین سن فرزندان ازدواج کرده معادل ۳۸،۸۶ است و بیشترین فراوانی (نما) مربوط به سن ۳۳ سال است؛ هم‌چنین میانه نیز که مقسم فراوانی‌ها به دو دسته مساوی است برابر با ۳۷ سال بدست آمده است. ۲۹،۷ درصد فرزندان ازدواج کرده خانه‌دار، ۵۷،۸ درصدشان شاغل، و ۶،۶ درصد آنها بازنشسته بودند. به لحاظ ساختار خانواده که منظور از آن دارا بودن صرفاً مادر یا صرفاً پدر و یا داشتن هر دو والد است، ۳۱،۶ درصد از فرزندان ازدواج کرده تنها از وجود مادر بهره داشتند، ۸،۲ درصدشان تنها از نعمت داشتن پدر برخوردار بوده و ۶۰،۲ درصدشان هر دو والد پدر و مادر را در کنار خود داشتند.

در ادامه ۲۶،۶ درصد پاسخگویان فرزند اول خانواده، ۲۴،۲ درصد فرزند دوم، و ۱۹،۱ درصد آنان فرزند سوم بودند. در خصوص نقش والدینی که پاسخگویان برعهده داشتند، با توجه به داده‌ها می‌توان گفت که ۷۷،۷ درصدشان دارای فرزند و ۲۲،۳ درصد آنان بدون فرزند بودند. هم‌چنین ۸۱،۳ درصد فرزندان ازدواج کرده از سلامتی کامل برخوردار بوده و تنها ۰،۴ آنها از نعمت سلامتی بی‌بهره بودند. این درحالیست که ۵۴ درصد مادران پاسخگویان از سلامتی کامل برخوردار بودند و ۱۱،۱ آنها به لحاظ سلامتی مشکلی اساسی داشتند و این وضعیت برای پدران به این ترتیب است که ۶۹،۷ درصد پدران در سلامتی کامل به سر می‌برند و تنها ۳،۴ درصد آنان از این نعمت بی‌بهره هستند. هم‌چنین والدین ۲۴،۲ درصد پاسخگویان در شهر دیگری زندگی می‌کردند، ۲۷،۷ درصد والدین با فرزندان ازدواج کرده‌شان در یک شهر سکونت داشتند. ۹،۸ درصد آنان در یک آپارتمان زندگی می‌کردند و ۵،۵ درصدشان هم‌مزل بودند؛ و ۱۶،۴ درصد برای سکونت والدین و فرزندان ازدواج کرده در یک محله و یک منطقه مشترک برآورد گردید.

انسجام معاشرتی که بواسطه پنج گویه (هم برای مادران و هم برای پدران) مورد سنجش قرار گرفته و با در نظر گرفتن دو شرط دارا بودن یا نبودن مادر و پدر، با هم جمع و سپس در بازه صفر (اصلاً) تا ده (همیشه) بازتعریف شد دارای میانگینی معادل ۵،۴۷ است یعنی انسجام معاشرتی میان والدین و فرزندان ازدواج کرده در سطح متوسطی قرار دارد؛ میانه آن نیز برابر با ۵،۲ است که نشان می‌دهد میزان انسجام معاشرتی ۵۰ درصد از پاسخگویان معادل ۵،۲ و کمتر؛ و انسجام معاشرتی مابقی آنان نیز بالای ۵،۲ یعنی بالاتر از متوسط است. انحراف معیار انسجام معاشرتی به عنوان شاخص پراکندگی مورد بررسی نیز برابر با ۲،۱۲ است و می‌توان این نتیجه را گرفت که پراکندگی داده‌ها نسبت به میانگین زیاد است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در مجموع ۸ درصد از فرزندان ازدواج کرده اصلاً با والدینشان در رفت و آمد و معاشرت نبوده، ۱۹،۱ درصد به ندرت و ۳۵،۲ درصد یعنی یک سومشان در حد متوسط (گاهی) با آنان معاشرت می‌کنند. در مقابل شاهد این نکته هستیم که ۲۵،۸ درصد یعنی در حدود یک چهارم افراد مورد مطالعه در حد زیاد و ۱۲،۱ درصدشان خیلی زیاد (همیشه) با والدینشان در ارتباط و رفت و آمد هستند. آمار و ارقام مذکور به این نکته ما را رهنمون می‌شود که بیش از دو سوم نمونه مورد مطالعه به لحاظ انسجام معاشرتی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی انسجام معاشرتی فرزندان ازدواج کرده و شاخص‌های آماری آن

گویه‌ها	اصلاً	به ندرت	گاهی	اکثراً	همیشه	میانگین	میانه	انحراف معیار
چند وقت یکبار با مادران تلفنی صحبت می‌کنید؟	۳،۸	۱۳	۹،۸	۲۷،۲	۵۷،۹	۴،۳۲	۵	۰،۹۸
چند وقت یکبار با پدران تلفنی صحبت می‌کنید؟	۴	۲،۳	۱۶،۶	۴۳،۴	۳۳،۷	۴،۰۱	۴	۰،۹۸
چند وقت یکبار به دیدن مادران می‌روید؟	۰	۱۳،۲	۲۷،۲	۳۴	۲۵،۵	۳،۷۲	۴	۰،۹۹
چند وقت یکبار به دیدن پدران می‌روید؟	۰	۱۸،۳	۲۸	۳۰،۹	۲۲،۹	۳،۵۸	۴	۱،۰۳
چند وقت یکبار با مادران به گردش می‌روید؟	۱۳،۶	۵۲،۳	۲۴،۷	۸،۹	۰،۴	۲،۳۰	۲	۰،۸۳
چند وقت یکبار با پدران به گردش می‌روید؟	۱۳،۱	۵۸،۳	۲۰	۸	۰،۶	۲،۲۵	۲	۰،۸۰
آیا جشن‌های خانوادگی را با مادران می‌گذرانید؟	۷،۷	۱۹،۶	۲۰	۲۳،۴	۲۹،۴	۳،۴۷	۴	۱،۳۰
آیا جشن‌های خانوادگی را با پدران می‌گذرانید؟	۹،۱	۲۲،۳	۲۱،۱	۲۲،۳	۲۵،۱	۳،۳۲	۳	۱،۳۱
آیا تعطیلات عید نوروز را با مادران می‌گذرانید؟	۳	۱۰،۶	۲۱،۷	۳۳،۶	۳۱،۱	۳،۷۹	۴	۱،۰۸
آیا تعطیلات عید نوروز را با پدران می‌گذرانید؟	۳،۴	۱۳،۱	۲۱،۱	۳۶	۲۶،۳	۳،۶۹	۴	۱،۱۰
شاخص انسجام معاشرتی	۷،۸	۱۹،۱	۳۵،۲	۲۵،۸	۱۲،۱	۵،۴۷	۵،۲۰	۲،۱۲

انسجام اظهاری به واسطه پنج گویه (هم برای مادران و هم برای پدران) سنجیده شده است. این پنج گویه را ابتدا با هم جمع (با در نظر گرفتن دو شرط دارا بودن یا نبودن مادر و پدر) و سپس در بازه صفر (اصلاً) تا ده (همیشه) بازتعریف نمودیم. در مجموع ۲ درصد از فرزندان ازدواج کرده اصلاً به والدینشان ابراز عاطفی به گونه‌ای که در عمل این عاطفه و محبت را نشان دهند، نمی‌کنند، که البته این میزان خیلی کم بوده و می‌توان از آن نتیجه گرفت که فرزندان ازدواج کرده نسبت به ابراز علاقه به

والدینشان بی تفاوت نبوده و در این خصوص قوی عمل می‌کنند. ۸,۲ درصد کم به گونه‌ای مشهود به والدین ابراز عاطفه می‌کنند. لذا با توجه به ارقام مذکور تنها ۱۰,۲ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه در ابراز محبت به والدین سختگیرانه رفتار می‌کنند. ۲۲,۷ درصد یعنی در حدود یک پنجم فرزندان ازدواج کرده در حد متوسط ابراز علاقه می‌کنند و در مقابل ما می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که ۳۹,۸ درصد یعنی بیش از یک سوم افراد مورد بررسی زیاد و ۲۷,۳ درصدشان خیلی زیاد نسبت به والدینشان ابراز عاطفه و محبت دارند. پس می‌توان گفت که بیش از ۶۰ درصد فرزندان ازدواج کرده این علاقه را به صورت عملی یا به عبارتی با در آغوش گرفتن یا بوسیدن و اعمالی از این قبیل نشان می‌دهند. آمار و ارقام مذکور این نکته را نمایان می‌کند که بیش از دو سوم نمونه مورد مطالعه به لحاظ انسجام اظهاری یا عاطفی در وضعیت خیلی خوبی به سر می‌برند. شاخصهای مرکزی و پراکندگی مورد بررسی نیز این نتیجه را تایید می‌کند به نحوی که میانگین میزان انسجام اظهاری که در بازه صفر تا ده قابل تفسیر است، معادل ۶,۷۵ است به این معنا که میزان انسجام اظهاری میان والدین و فرزندان ازدواج کرده‌شان از حد متوسط بالاتر است. میانه _ مقسم فراوانی به دو گروه مساوی _ برابر با ۶,۷۱ است که نشانگر این مهم است که میزان انسجام اظهاری نیمی از فرزندان ازدواج کرده معادل ۶,۷۱ و کمتر؛ و انسجام اظهاری مابقی آنان نیز بالای ۶,۷۱ است. انحراف معیار آن برابر با ۱,۹۶ به این معنا که پراکندگی داده نسبت به میانگین نسبتاً زیاد و اختلاف بین نمونه تا حدودی نسبتاً زیاد است.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی انسجام اظهاری فرزندان ازدواج کرده و شاخص‌های آماری آن

گویه‌ها	اصلا	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	انحراف معیار
چقدر نسبت به مادران احساس نزدیکی می‌کنید؟	۰	۲,۶	۱۱,۱	۳۴,۹	۵۱,۵	۴,۳۵	۵	۰,۷۷
چقدر نسبت به پدرتان احساس نزدیکی می‌کنید؟	۰,۶	۴,۶	۲۱,۷	۳۸,۹	۳۴,۳	۴,۰۲	۴	۰,۸۹
چقدر به مادران ابراز محبت می‌کنید؟	۱,۷	۸,۱	۱۹,۶	۳۴,۵	۳۶,۲	۳,۹۵	۴	۱,۰۱
چقدر به پدرتان ابراز محبت می‌کنید؟	۴,۶	۱۰,۹	۲۹,۱	۳۰,۹	۲۴,۶	۳,۶۰	۴	۱,۱۰
چقدر در رابطه خود با مادران صداقت دارید؟	۰	۴,۳	۸,۱	۴۰	۴۷,۷	۴,۳۱	۴	۰,۷۹
چقدر در رابطه خود با پدرتان صداقت دارید؟	۰	۵,۷	۱۴,۳	۳۹,۴	۴۰,۶	۴,۱۵	۴	۰,۸۷
چقدر قادر به درک مادران هستید؟	۰,۴	۳	۱۷,۹	۴۵,۱	۳۳,۶	۴,۰۹	۴	۰,۸۱
چقدر قادر به درک پدرتان هستید؟	۰	۵,۷	۲۰,۶	۴۴,۶	۲۹,۱	۳,۹۷	۴	۰,۸۵
چقدر برای مادران احترام قائلید؟	۰	۰,۹	۵,۵	۲۶	۶۷,۷	۴,۶۰	۵	۰,۶۳
چقدر برای پدرتان احترام قائلید؟	۰	۱,۷	۵,۷	۲۹,۷	۶۲,۹	۴,۵۴	۵	۰,۶۸
شاخص انسجام اظهاری یا عاطفی	۲	۸,۲	۲۲,۷	۳۹,۸	۲۷,۳	۶,۷۵	۶,۷۱	۱,۹۶

۷-۲- یافته‌های استنباطی

فرضیه اول که فرضیه‌ای مقایسه‌ای و از نوع تک گروهه است به بررسی میانگین انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در میان خانواده‌های تهرانی می‌پردازد. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای با در نظر گرفتن معیار صفر، نشان می‌دهد که انسجام معاشرتی و اظهاری در نمونه مورد مطالعه وجود داشته و نیز در سطح معناداری ۰,۰۰ و با فاصله اطمینان ۹۹ درصد میانگین انسجام معاشرتی برابر با ۵,۴۸ و میانگین انسجام اظهاری برابر با ۶,۷۵ بدست آمده است. در نتیجه به دلیل معنادار بودن آزمون تی تک نمونه‌ای می‌توانیم نتیجه حاصله را به جامعه تعمیم داده و بگوییم که انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در جامعه وجود دارد و نیز قوت انسجام اظهاری بیشتر است. هم‌چنین بار دیگر از آزمون تی تک نمونه‌ای با در نظر گرفتن معیار ۵، استفاده نمودیم تا میزان انسجام معاشرتی و اظهاری را در جامعه برآورد نماییم. بر اساس نتایج حاصله، در سطح معناداری ۰,۰۰ و با فاصله اطمینان ۹۹ درصد، میزان انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در حد متوسط و بیشتر برآورد گردید و این نتیجه قابلیت تعمیم به جامعه را دارد.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای انسجام معاشرتی و اظهاری

	معیار صفر		معیار پنج	
	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
میانگین	۵,۴۸	۶,۷۵	۵,۴۸	۶,۷۵
آزمون تی	۴۱,۲۷۹	۵۴,۹۲۸	۳,۵۸۸	۱۴,۲۵۱
سطح معناداری	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

فرضیه دوم که وجود رابطه‌ی معنادار میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری را با کمک آزمون همبستگی پیرسون مورد مذاقه قرار می‌دهد، نشانگر این نتیجه بود که میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری رابطه‌ای قوی و از نوع مستقیم برقرار است

به این معنا که با افزایش انسجام معاشرتی، میزان انسجام اظهاری نیز فزونی می‌گیرد و با کاهش انسجام معاشرتی، انسجام اظهاری با نقصان و کاستی مواجهه می‌گردد.

جدول شماره ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری

انسجام معاشرتی	
$r = ۰.۶۱۳$ $Sig = ۰.۰۰$ $N = ۲۵۶$	انسجام اظهاری

فرضیه سوم مبتنی بر بررسی رابطه میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری با انسجام ساختاری است. از آنجایی که انسجام ساختاری بواسطه مولفه‌های گوناگونی مانند سلامتی فرزند ازدواج کرده و والدین، فاصله جغرافیایی منزل آنها نسبت به هم، ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و نیز پدر یا مادر بودن فرزند ازدواج کرده (وضعیت والدینی آنها)، مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ در ادامه رابطه میان دو انسجام معاشرتی و اظهاری را با تک تک مولفه‌های انسجام ساختاری مورد سنجش قرار می‌دهیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متغیر فاصله جغرافیایی از میان دو انسجام مذکور تنها با انسجام معاشرتی رابطه معناداری برقرار نموده است. همانطور که در جدول ۴ آمده، نتایج آزمون تحلیل واریانس نشانگر آن است که میانگین نمره انسجام معاشرتی پاسخگویانی که والدینشان در شهر دیگری زندگی می‌کنند برابر با ۴,۵۸، پاسخگویانی که با والدینشان در یک شهر زندگی می‌کنند برابر با ۴,۹۸، و پاسخگویانی که همراه والدینشان در یک منطقه ساکن هستند برابر با ۵,۸۹، و نیز انسجام معاشرتی پاسخگویانی که با والدینشان در یک محله مستقر هستند برابر با ۶,۴۶ برآورد گردیده است و این در حالی است که میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویانی که با والدینشان در یک آپارتمان زندگی می‌کنند معادل ۶,۲۵ و مقدار آن برای پاسخگویان هم منزل با والدینشان برابر با ۶,۳۷ است؛ هم‌چنین در سطح معناداری برابر با ۰,۰۰، مقدار $F = ۷۸,۰۳$ معنادار تلقی می‌گردد که به معنای وجود تفاوت معنادار در میانگین انسجام معاشرتی است و در نتیجه می‌توان گفت که میزان انسجام معاشرتی فرزندان که به همراه والدینشان در یک محله زندگی می‌کنند از همه بیشتر و در مرتبه دوم نیز فرزندان هم منزل با والدین قرار می‌گیرند که میزان انسجام معاشرتی بالایی دارند؛ در مقابل فرزندان که والدینشان دور از آنها و در شهر دیگری زندگی می‌کنند، از میزان انسجام معاشرتی کمتری برخوردارند.

جدول شماره ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون انسجام معاشرتی و اظهاری بر حسب فاصله جغرافیایی

انواع انسجام		انسجام معاشرتی		انسجام اظهاری
فاصله جغرافیایی		میانگین	آزمون آماری	آزمون آماری
زندگی در شهر دیگر	زندگی در یک شهر	۴,۵۸	$F = ۷,۰۲۴$ $Sig = ۰.۰۰$	$F = ۰.۸۳۶$ $Sig = ۰.۵۲$
	زندگی در یک منطقه	۴,۹۸		
	زندگی در یک محله	۵,۸۹		
	زندگی در یک آپارتمان	۶,۴۶		
	هم منزل هستیم	۶,۲۵		
		۶,۳۷		

ترتیب تولد به عنوان یک متغیر ساختاری، رابطه معناداری با انسجام معاشرتی دارد در حالی که با انسجام اظهاری ندارد. مقدار ضریب اسپیرمن میان ترتیب تولد و انسجام معاشرتی در سطح معناداری ۰,۰۰ برابر با ۰,۲- است که نشان از رابطه‌ای ضعیف دارد و به این دلیل که رابطه از نوع معکوس است می‌توان گفت که فرزندان که زودتر به دنیا آمده‌اند مانند فرزندان اول یا دوم، انسجام معاشرتی کمتری نسبت به فرزندان دارند که دیرتر به دنیا آمده‌اند مانند فرزندان آخر یا یکی مانده به آخر. به این معنا که فرزندان آخر تمایل بیشتری نسبت به برقراری تماس‌های تلفنی و یا تماس‌های رو در رو و نیز شرکت در فعالیت‌های مشترکی مانند شرکت در جشن‌ها و اعیاد و ... با والدینشان دارند تا فرزندان که زودتر از آنها بدنیا آمده‌اند.

جدول شماره ۱۰. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن میان ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و انسجام معاشرتی و اظهاری

انواع انسجام	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
ترتیب تولد	$r_s = -۰.۲۰$ $Sig = ۰.۰۰$ $N = ۲۵۶$	$r_s = -۰.۱۱$ $Sig = ۰.۰۶$ $N = ۲۵۶$
ترتیب تولد پاسخگو		

در بررسی وجود تفاوت در میانگین انسجام معاشرتی و اظهاری بر حسب اینکه آیا پاسخگو خود دارای فرزند است یا خیر، با کمک آزمون تی مستقل به این نتیجه دست یافتیم که میانگین انسجام‌های معاشرتی، اظهاری بر حسب اینکه پاسخگو فرزند دارد یا خیر متفاوت است. همچنین نتایج نشان داده‌اند که با پذیرش فرض برابری واریانس‌ها، مقدار آماره t برای انسجام معاشرتی در سطح معناداری مطلوب به لحاظ آماری، برابر با $3,01$ برآورد گردیده که معنادار بوده و در نتیجه می‌توان گفت تفاوت میان میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند دارند و برابر با $5,27$ و میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند ندارند و معادل $6,21$ بدست آمده، معنادار است بنابراین میزان انسجام معاشرتی پاسخگویان بدون فرزند بیشتر از میزان انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند دارند. همچنین میانگین انسجام اظهاری پاسخگویی که فرزند ندارند برابر با $7,28$ و آنانی که فرزند دارند برابر با $6,60$ برآورد گردیده که با پذیرش فرض برابری واریانس‌ها مقدار آماره t در سطح معناداری $0,02$ ، معنادار بوده و این معنا را متبادر می‌سازد که میزان انسجام اظهاری پاسخگویی که فرزند ندارند به اندازه $0,675$ بیشتر از آنانی است که فرزند دارند.

جدول شماره ۱۱. نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل انسجام معاشرتی و اظهاری / تعداد فرزند پاسخگویان

انواع انسجام		انسجام معاشرتی		انسجام اظهاری	
داشتن فرزند		میانگین	آزمون آماری	میانگین	آزمون آماری
فرزند ندارد		۶,۲۱	$T = 3,01$	۷,۲۸	$T = 2,30$
فرزند دارد		۵,۲۷	$Sig = 0,00$	۶,۶۰	$Sig = 0,02$

بر اساس نتایج حاصل از آزمون پیرسون، متغیر وضعیت سلامتی پاسخگویان با انسجام‌های معاشرتی و اظهاری رابطه معناداری دارد. روابط معنادار برقرار شده از نوع ضعیف و مستقیم هستند. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش سلامتی پاسخگویان، بر میزان انسجام‌های معاشرتی و اظهاری افزوده می‌شود و نیز با رو به ضعف گذاشتن آن، از میزان آنها کاسته می‌گردد. وضعیت سلامتی مادر با هر دو انسجام مذکور رابطه‌ی معنادار و از نوع مستقیم برقرار نموده است. بطوریکه مقدار همبستگی این متغیر با انسجام معاشرتی ($0,37$) در حد متوسط، و مقدار همبستگی آن با انسجام اظهاری ($0,29$) در حد ضعیف است. لذا می‌توان گفت با افزایش سلامتی مادران، بر میزان انسجام‌های معاشرتی، اظهاری افزوده می‌گردد. وضعیت سلامتی پدر با هر دو نوع انسجام رابطه‌ی معنادار از نوع ضعیف و مستقیم برقرار کرده است بدین معنا که با افزایش سلامت پدران، بر میزان انسجام معاشرتی و اظهاری افزوده می‌گردد و برعکس با رو به نزول گذاشتن سلامتی پدران، از میزان انسجام‌های مذکور کاسته می‌شود.

جدول شماره ۱۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان وضعیت سلامتی و انسجام‌های معاشرتی و اظهاری

انواع انسجام	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
وضعیت سلامتی پاسخگویان	$r = 0,12$ $Sig = 0,03$ $N = 256$	$r = 0,22$ $Sig = 0,00$ $N = 256$
وضعیت سلامتی مادران	$r = 0,37$ $Sig = 0,00$ $N = 235$	$r = 0,29$ $Sig = 0,00$ $N = 235$
وضعیت سلامتی پدران	$r = 0,21$ $Sig = 0,00$ $N = 175$	$r = 0,23$ $Sig = 0,00$ $N = 175$

تحلیل رگرسیون: اطلاعات حاصله از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار F رگرسیون متغیر وابسته انسجام معاشرتی برابر با $16,367$ و سطح معناداری آن برابر با $0,00$ برآورد شده که نشان دهنده معناداری آن در سطح 99 درصد اطمینان است. بنابراین می‌توان گفت حداقل یک متغیر در رگرسیون انسجام معاشرتی وارد می‌شود. مقادیر R ، R^2 ، R^2_{adj} برای این رگرسیون به ترتیب برابر با $0,597$ ، $0,356$ ، $0,334$ است؛ که در مورد R^2_{adj} می‌توان چنین برداشت نمود که $33,4$ درصد واریانس متغیر انسجام معاشرتی ناشی از تغییرات متغیرهای داخل مدل است. توجه به متغیرهای وارد شده در مدل نشان می‌دهد که متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهر دیگر) با $\beta = -0,416$ ، متغیر انسجام اظهاری با $\beta = 0,372$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک آپارتمان) با $\beta = 0,235$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) با $\beta = -0,170$ ، و متغیر وضعیت سلامتی پدران با $\beta = 0,139$ وارد مدل شده‌اند. بنابراین مدل استاندارد رگرسیونی انسجام معاشرتی با این متغیرها را می‌توان بدین صورت نوشت:

$$Z_{\text{زندگی در یک شهر}} = -0.170 z_{\text{زندگی در یک آپارتمان}} + 0.235 z_{\text{انسجام اظهاری}} + 0.372 z_{\text{زندگی در شهر دیگر}} - 0.416 z_{\text{انسجام معاشرتی}} + 0.139 z_{\text{وضعیت سلامتی پدران}}$$

هم‌چنین با سطح معناداری برابر با ۰,۰۰ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، مقدار F رگرسیون متغیر وابسته انسجام اظهاری معادل ۱۰,۸۵۳ برآورد گردیده است. این نتیجه بیانگر آن است که حداقل یک متغیر در رگرسیون انسجام اظهاری وارد می‌شود. از تحلیل رگرسیون، مقادیر $R = 0.475$ ، $R^2 = 0.226$ و $R_{adj}^2 = 0.205$ بدست آمده‌اند و مقدار R_{adj}^2 نشان می‌دهد که ۲۰,۵ درصد تغییرات متغیر انسجام اظهاری ناشی از تغییرات متغیرهای داخل مدل است. از میان متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، متغیرهای انسجام اظهاری با مقدار $\beta = 0.444$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهر دیگر) با $\beta = 0.349$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) با $\beta = 0.175$ ، متغیر وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده با $\beta = 0.151$ ، وارد مدل شده‌اند. در نتیجه با توجه به این چهار متغیر مدل استاندارد رگرسیونی انسجام اظهاری اینگونه است:

$$Z_{\text{وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده}} = 0.139 z_{\text{زندگی در یک شهر}} + 0.175 z_{\text{زندگی در شهر دیگر}} + 0.349 z_{\text{انسجام معاشرتی}} + 0.444 z_{\text{انسجام اظهاری}}$$

تحلیل مسیر: همانطور که تحلیل رگرسیون نشان داد، قدرت کلی مدل استاندارد انسجام معاشرتی برابر با ۰,۳۳۴ و نیز خطای کلی آن برابر با ۰,۶۶۶ است. بر اساس نتایج تحلیل مسیر، میزان تاثیر مستقیم فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) بر انسجام معاشرتی برابر با ۰,۴۱۶-، تاثیر مستقیم متغیر انسجام اظهاری برابر با ۰,۳۷۲، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک آپارتمان) برابر با ۰,۲۳۵، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) برابر با ۰,۱۷۰-، تاثیر مستقیم متغیر وضعیت سلامتی پدران برابر با ۰,۱۳۹ است. از میان تاثیرات مستقیم نامبرده، در مرتبه اول متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) و در مرتبه دوم متغیر انسجام اظهاری بیشترین تاثیر را بر متغیر انسجام معاشرتی داشته‌اند. و نیز متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) تاثیری منفی بر انسجام معاشرتی دارد. در زیر جدول مربوط به اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای داخل مدل را گزارش می‌نماییم.

جدول شماره ۱۳. جدول اثرات متغیرهای موثر بر انسجام معاشرتی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
زندگی در شهری دیگر	-۰,۴۱۶	-	-۰,۴۱۶
انسجام اظهاری	۰,۳۷۲	-	۰,۳۷۲
زندگی در یک آپارتمان	۰,۲۳۵	۰,۰۹۶	۰,۳۳۱
زندگی در یک شهر	-۰,۱۷۰	۰,۱۵۲	-۰,۰۱۷
وضعیت سلامتی پدران	۰,۱۳۹	-	۰,۱۳۹
جمع اثرات	۰,۱۶	۰,۲۴۸	۰,۴۰۹

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انسجام اظهاری نشان دهنده آن است که میزان خطای کلی مدل ۰,۷۹۵ و قدرت کلی مدل برابر با ۰,۲۰۵ بوده و تاثیر مستقیم انسجام معاشرتی بر انسجام اظهاری برابر با ۰,۴۴۴، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) برابر با ۰,۳۴۹، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) برابر با ۰,۱۷۵، تاثیر مستقیم متغیر وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده برابر با ۰,۱۵۱ است. از میان تاثیرات مستقیم نامبرده، در مرتبه اول متغیر انسجام معاشرتی و در مرتبه دوم فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) بیشترین تاثیر را بر متغیر انسجام اظهاری داشته‌اند. در زیر جدول مربوط به اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای داخل مدل را گزارش می‌نماییم.

جدول شماره ۱۴. جدول اثرات متغیرهای موثر بر انسجام اظهاری

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
انسجام معاشرتی	۰,۴۴۴	-	۰,۴۴۴
زندگی در شهری دیگر	۰,۳۴۹	-۰,۱۴۲	۰,۲۰۶
زندگی در یک شهر	۰,۱۷۵	۰,۰۴۴	۰,۲۱۹
وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده	۰,۱۵۱	۰,۰۴۹	۰,۲۰۰
جمع اثرات	۱,۱۱۹	-۰,۰۴۸	۱,۰۶۹

نتیجه گیری

مدل مفهومی انسجام خانوادگی بنستون، مدلی است که به خانواده به عنوان مهمترین واحد اجتماعی نگاهی مثبت داشته و آن را با تمام تغییراتی که در طی زمان رخ می‌دهد، زنده می‌پندارد. این مدل سعی دارد خانواده را آنطور که باید، ببیند و بر همین اساس از منظر بنستون، انسجام خانوادگی به عنوان مفهومی باز و سیال، در بطن خانواده به اشکال گوناگون وجود داشته و می‌تواند ابعاد مختلف رفتاری، عاطفی، شناختی و ساختی آن را پوشش دهد. بنستون و همکارانش، نظریه انسجام را در رد تئوری فروپاشی نظام خانواده در غرب مطرح نمودند. در ایران امروز، ما نیز با تغییراتی در نظام خانواده مواجه هستیم که ممکن است از بعضی جهات با تغییرات موجود در دنیای غرب متفاوت باشد، و از همین رو نظریه انسجام بنستون نیز برای ما دارای اهمیت است. با یک نگاه به روابط خانواده‌هایی که امروزه فرزندان خویش را عروس و یا داماد می‌کنند می‌توانیم دلایل اهمیت نگاه بنستون را درک کنیم. افزایش امید به زندگی در کنار افزایش سهم سالمندی در جمعیت ایران، نومکانی برخاسته از استقلال فرزندان بعد از ازدواج، مواجهه والدین با سندرم آشیانه خالی در سنین بالاتر و احتمال بروز افسردگی در آنان، کاهش بعد خانوار، و نیازمندی فرزندان به داشتن حمایت از سوی والدین به دلیل مشکلات و مسایل اقتصادی و اجتماعی، از جمله دلایلی است که می‌تواند بر اهمیت نگاه به انسجام خانواده دلالت کند. با توجه به این نگاه، انسجام معاشرتی که نشانگر رفتار اعضا در کنش و واکنش‌های روزمره و انواع تماسها، و نیز مشارکت داشتن در برنامه‌های مشترک متعدد مانند جشن‌ها و اعیاد و تفریحات مختلف است، بعدی از ابعاد رفتاری خانواده را دربرمی‌گیرد که در بررسی حاضر مورد مذاقه قرار گرفته است؛ انسجام اظهاری نیز که یکی دیگر از ابعاد انسجام خانوادگی است و به عنوان نماینده‌ی بعد عاطفی خانواده به سنجش درآمده، بیانگر میزان صمیمیت و نزدیکی اعضا نسبت به هم است که قادر است نوعی دلگرمی و جاذبه عاطفی را در بین دو نسل والدین و فرزندان سازماندهی کند. هم‌چنین انسجام ساختاری را که نشانگر بعد ساختی خانواده است، بررسی کردیم. بنستون انسجام ساختاری را بعد ششم انسجام خانوادگی می‌داند که در بیشتر تحقیقات حکم متغیر مستقل _ فرصت‌ها و یا منابع ساختاری که توانایی افراد در برقراری کنش‌ها و واکنش‌ها را پوشش می‌دهد_ را پیدا می‌کند و قدرت تاثیرگذاری بر ابعاد مختلف انسجام خانوادگی را دارد. در پژوهش حاضر ارتباط این سه بعد انسجام را با هم مورد سنجش قرار دادیم و نیز وجود یا عدم وجود انسجام معاشرتی و اظهاری را در بین خانواده‌های تهرانی بررسی نمودیم. نتایج حاکی از وجود انسجام اظهاری در حد قوی است؛ و این نکته که انسجام اظهاری با قدرت بیشتری ظاهر شده است، نشانه خوبی از وجود مهربانی و احترام در میان روابط والد و فرزندی است؛ و می‌تواند صادر کننده این معنا باشد که فرزندان امروز بر خلاف نسل‌های گذشته آموخته‌اند که باید نیاز عاطفی را در اولویت اول قرار داد و خانواده مکانی است که می‌تواند با صراحت و صداقت تمام نیاز عاطفی را به بهترین نحو برطرف کند. میانگین انسجام معاشرتی نیز نشان می‌دهد که میزان آن در سطحی بالاتر از متوسط است که می‌تواند رو به جلو حرکت کرده و ارتقا یابد اگر والدین و فرزندان، توأمان اصول اساسی برقراری ارتباط درست را بیاموزند و به کارگیرند. بنابراین فکر رایجی که در میان خانواده‌های تهرانی، امروزه زیاد به گوش می‌رسد و هیچ منطقی در پشت آن نیست مبنی بر اینکه رفت و آمد و تماسهای فرزندان با والدین، بعد از ازدواجشان کاهش می‌یابد، قابل استناد نیست و در نتایج ما مورد تایید قرار نگرفته است. هم‌چنین بر اساس نتایج همبستگی پیرسون، وجود رابطه معنادار میان انسجام معاشرتی و اظهاری تایید شده و نتایج رگرسیون نیز نشان داد که هر دو انسجام مذکور در تبیین یکدیگر دخیل هستند. بنابراین می‌توان گفت که انسجام اظهاری و معاشرتی به عنوان عواملی که در پیوستگی نسل‌ها نقش دارند می‌توانند موجب شوند تا مقوله‌هایی مانند کاهش ارتباط کلامی و کاهش فصل مشترک‌های عاطفی که نشان از عدم پیوستگی نسل‌ها دارند، جایی برای ابراز وجود نیابند و به عنوان نمایندگان ابعاد رفتاری و عاطفی خانواده، تکمیل کننده همدیگر باشند.

در ادامه رابطه مولفه‌های انسجام ساختاری با دو انسجام معاشرتی و اظهاری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان دادند که فاصله جغرافیایی می‌تواند در اتفاق افتادن انسجام معاشرتی نقش داشته باشد؛ انسجام معاشرتی فرزندان ازدواج کرده‌ای که با والدینشان در یک محله زندگی می‌کنند بیشتر از دیگر فرزندان ازدواج کرده است، در حالیکه فرزندان که در شهری جدا از والدینشان زندگی می‌کنند، دارای انسجام معاشرتی کمتری هستند. دوری و نزدیکی فاصله منزل می‌تواند نقش مهمی داشته باشد در برقراری ارتباط تلفنی و یا تماس رو در رو و یا حتی مشارکت در جشن‌ها و اعیاد و تفریحات چرا که فرزندان این فرصت را می‌یابند که بعد از فارغ شدن از کارهای مربوط به خود و منزلشان، سری به والدینشان بزنند و یا برای رفتن به مراکز تفریحی و مسافرت‌ها با راحتی بیشتری برنامه‌ریزی کنند.

ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و یا این مهم که فرزند ازدواج کرده فرزند چندم خانواده است، نیز با انسجام معاشرتی ارتباط معناداری دارد به نحوی که فرزندی که در اولویت اول تولد بوده‌اند از انسجام معاشرتی کمتری برخوردارند. می‌توان گفت که فرزندی که در اولویت اول تولد بوده‌اند احتمالاً در سنین بالاتری نسبت به دیگر فرزندان قرار دارند و خود را درگیرتر از خواهران و برادران خود دانسته و فرصت کمتری برای دیدن و سرزدن به والدینشان دارند، ضمن اینکه آنان ممکن است این تصور را نیز داشته باشند که علاوه بر آنها فرزندان دیگری هم هستند که می‌توانند به والدین سر بزنند و جای خالی آنها را پر نمایند.

وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده و یا به عبارتی دیگر اینکه آیا آنان فرزند دارند یا نه نیز با هر دو نوع انسجام رابطه دارد و نتیجه حاصله جالب توجه است؛ به طوریکه هر دو انسجام در فرزندان ازدواج کرده‌ای که بدون فرزند هستند، بیشتر از آنانی است که فرزند دارند. این نکته را با این استدلال می‌توان مورد بحث قرار داد که این دسته از فرزندان زمان بیشتری را می‌توانند برای والدینشان بگذارند چرا که دلمشغولی بچه و بچه‌داری و مشکلاتی که بچه با خود به همراه می‌آورد را ندارند. بنابراین بیشتر می‌توانند برای دیدن والدین و نیز تلفن زدن به آنان و مسافرت کردن یا تفریح رفتن با آنها زمان هزینه کنند؛ و نیز به لحاظ عاطفی، بیشترین عاطفه را برای والدین صرف می‌کنند چون بچه به عنوان منبعی که بیشترین عاطفه‌ی فرد را به خود اختصاص می‌دهد، هنوز در زندگی آنها ورود پیدا نکرده است.

وضعیت سلامتی خود فرزند ازدواج کرده، مادران و پدرانشان نیز با انسجام معاشرتی و اظهاری رابطه مستقیمی دارد. دور از ذهن به نظر نمی‌رسد فرزندی که از سلامتی بیشتری برخوردار است نسبت به ابراز علاقه و نیز رفت و آمد کردن با والدینش، توجه بیشتری نشان دهد. اما نکته‌ای که اینجا قابلیت توجه بیشتر را دارد، مسئله سلامتی والدین است. روشن است که والدین با افزایش سن، به لحاظ جسمی فرتوت می‌شوند و به تدریج توانایی جسمی خود را از دست می‌دهند و یا با بیماری‌های مزمنی مانند دیابت و فشارخون دست به گریبان می‌شوند؛ و در همین نقطه است که حضور فرزندان ازدواج کرده در کنار آنان می‌تواند روحیه‌ی مثبت زندگیشان را تقویت کند. اما نتایج که دلالت بر وجود رابطه‌ی مستقیم دارد، نشان می‌دهد که با کاهش سلامتی والدین، رفت و آمد و معاشرت فرزندان و نیز ابراز علاقه عملی و معنوی آنان نیز کاهش می‌یابد. این همان نکته‌ای است که جای بحث دارد چرا که فرزندان ازدواج کرده باید به این مهم دقت داشته باشند که با رو به زوال گذاشتن سلامتی والدین، حضور فیزیکی و معنوی آنان و ابراز علاقه عملی و معنویشان اولویت اول والدین خواهد بود، چرا که با کاهش قدرت جسمی، نیاز والدین رنگ و لعابی دیگر به خود می‌گیرد که این نیاز می‌تواند دامنه رابطه میان آنها با فرزندان ازدواج کرده‌شان را دگرگون کند. توجه به این مهم قادر است سیاهی نگرانی را با روشنایی امیدواری جایگزین کند؛ امیدواری که می‌تواند سنگینی بار طرد شدن از سوی فرزند را از دوش والدین تا حدی کم کند. و از آنجایی که در شبکه‌های حمایتی، حمایت فرزند در اولویت والدین است، حمایت همه جانبه فرزندان از والدین می‌تواند نقطه قوت ارتباط آنها بوده و سبب شود تا والدین این دلخوشی را داشته باشند که در میانسالی و نیز اواخر دوره زندگی، کسانی هستند که برای وجود آنها اهمیت قائل شده و آنها را به دلیل فرسودگی جسمی و یا تحلیل سلامت روانی از خود نرانند. بنابراین انسجام مفهومی است که در ضمیر ناخودآگاه خانواده اهمیت دارد که شاید بتوان گفت به سهولت می‌تواند دیگر مفاهیم را از رونق بیاندازد و قدرت خود را برای زنده نگه داشتن همیشگی کوچکترین عنصر اجتماعی به رخ بکشد.

در کل می‌توان گفت که وجود میزانی بالاتر از حد متوسط از انسجام معاشرتی و اظهاری در خانواده‌های تهرانی می‌تواند نکته‌ای مثبت باشد زیرا اگر فرض بگیریم که میزان این دو نوع انسجام در حد کم و یا کمتر از متوسط برآورد می‌گردید، می‌بایست حساسیت بیشتری را در خصوص آینده جامعه ایران حس می‌کردیم زیرا با توجه به فرض در نظر گرفته شده، با توجه به میانگین سنی فرزندان ازدواج کرده، فرزندان که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، از آموزش‌های قدیمی بهره برده و به دوره‌هایی از زمان تعلق دارند که خانواده برایشان معنای فرا فردی داشته است، لذا با توجه به فرض فرض شده، فرزندان که از آموزش‌های دینی و فرهنگی و سنتی پررنگ‌تری نسبت به اهمیت خانواده در زندگی‌شان برخوردار بودند و به مقوله خانواده نگاه جدی‌تری داشتند، انسجام کمی را نشان داده‌اند در حالیکه فرزندان نسل آینده که ممکن است این نگاه جدی فرزندان دیروز را به خانواده نداشته باشند، در آینده چه میزان انسجامی را می‌توانند نشان دهند و آیا اصلاً برایشان حمایت از خانواده، مقوله‌ای جدی‌ای خواهد بود؟ این سوالات می‌تواند نگران کننده باشد چرا که در آینده نه چندان دور که ایران با روند خاستگاری شدن جمعیت مواجه است، حمایت از خانواده و مفهوم انسجام خانوادگی از الزامات زندگی افراد خواهد بود؛ چرا که زندگی در جامعه رو به رشد ایران، روز به روز به سمت فردی شدن گرایش دارد و تنهایی افراد از ارکانی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، لذا انسجام‌های معاشرتی و اظهاری و وجود رابطه‌ی پیوسته و همبسته والدین و فرزندان ازدواج کرده می‌تواند در کم کردن تاثیر تنهایی نقش آفرینی کند. همچنین مسئولیتی که در آینده بر عهده تنها فرزند خانواده قرار خواهد گرفت، بیشتر از چیزی است که امروزه فرزندان بر عهده دارند، و تاب آوردن آنان در زیر بار این مسئولیت، می‌تواند سرنوشت حمایت از والدین و انسجام خانواده و حتی خود مقوله خانواده را تحت تاثیر قرار دهد. ضمن آنکه با توجه به همین امر نقش دولت نیز تغییر می‌کند و می‌بایست برای آینده سالخوردگان تدابیری بیاندیشد تا در کنار احساس مسئولیت فرزند، تامین کننده امنیت روانی و جسمی والدین سالخورده باشد. بنابراین اگر این فرض در این پژوهش تایید می‌گردید، می‌بایست برای آینده خانواده در ایران، به طور جدی ابراز نگرانی می‌کردیم و راه کارهایی برای رفع این نگرانی جستجو می‌نمودیم.

پیشنهادات اجرایی

از آنجایی که سطح انسجام معاشرتی و اظهاری در سطحی میانی و متوسط برآورد گردیده است، می‌توان گفت که میزان آنها نه خیلی زیاد و نه خیلی کم است لذا این سطح از هر دو انسجام، اگر مورد توجه جدی قرار نگیرد می‌تواند به آسانی هرچه تمامتر رو به افول گذاشته و افت کند. بنابراین برای دست‌یافتن به انسجام معاشرتی و اظهاری در سطحی که نگرانی زیر سوال بردن مفهوم خانواده را کاهش دهد، برنامه‌ریزی نیاز است. برای نگه‌داشتن انسجام معاشرتی با توجه به معنایی که دنبال می‌کند و رفت‌وآمدها و تماس‌ها اعم از تماس رو در رو و تلفنی را دربر می‌گیرد، و نیز پایداری انسجام اظهاری و ابراز علاقه و ایجاد محبت، که رکن اصلی و کارکرد مستقیم و خاص خانواده است، باید آموزشهای لازم را به فرزندان از سنین کودکی و نوجوانی داد تا نسبت به این مفاهیم آگاهی یافته و به سطحی از درک دست‌یابند که معاشرت یکی از اصول اولیه حمایت از اعضا بوده و همچنین ایجاد ارتباط عاطفی، موجب گرمی دلها و نزدیکی بیشتر میان اعضا می‌شود و احتمال بروز گسست و شکاف نسلی بدون در نظر گرفتن این دو انسجام افزایش می‌یابد، و همچنین احتمال شکل‌گیری تفاوت نسلی با افزایش تماس و ابراز محبت و علاقه نیز کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر این تصور همیشه وجود داشته است که فرزندان اول و دوم در جایگاهی متفاوت از دیگر فرزندان می‌ایستند و برای والدین تکیه‌گاه و مظهری از استقلال محسوب می‌شوند که در دوران سختی و بروز مشکلات، انتخاب اول والدین برای برقراری تماس و در دسترس بودن هستند؛ لذا در سنین بالاتر توقع والدین از بودن و حضور آنها در کنار خودشان متفاوت از دیگر فرزندان است، در نتیجه فرزندان که زودتر از خواهران و برادران خود دنیا آمده‌اند، باید بدانند که سهمی قابل‌تامل‌تر و مهمتر در ارتباط با والدین بر عهده دارند و نمی‌توانند نسبت به این نقش بی‌توجه باشند. لذا باید توصیه‌های لازم به آنها در خصوص اهمیت حضورشان در کنار والدین علی‌الخصوص در دوران سالمندی‌شان، در قالب کارگاههای تحکیم روابط خانواده داده شود. از سویی دیگر مقوله‌ای مانند سلامت که بدون شک تا اندازه‌ی زیادی در آینده جمعیت ایران نقشی اساسی دارد، یکی از بنیادی‌ترین مسائلی است که بر روابط خانوادگی و ارتباط میان اعضا اثر می‌گذارد. بنابراین باید فرزندانمان را از همان کودکی به گونه‌ای آموزش دهیم تا بتوانند به این درک برسند که بیماری و نبود سلامتی نباید بر نزدیکی میان آنها و والدینشان تأثیری بگذارد چراکه والدین در دوران سختی نیاز بیشتری به فرزندانشان دارند و نه در دورانی که خود از سلامتی برخوردار بوده و کارهای شخصی خود را به راحتی انجام می‌دهند. فرزندان باید تحت آموزش قرار بگیرند و بدانند که حضور مثبت فرزندان در کنار والدین به هنگام بیماری، دولت را در برقراری آرامش خانواده و تامین آسایش و تجهیزات لازم به کوچکترین واحد اجتماعی یاری می‌رساند. در خصوص مجاورت مسکونی نیز باید گفت فاصله جغرافیایی منزل فرزند تا منزل والدین تحت تأثیر عواملی است که گاهی خارج از قدرت فرزندان است مانند دور بودن محل کار، نظر منفی عروس / داماد برای نزدیکی منزلشان به خانواده همسر و یا عدم وجود قدرت اقتصادی مطلوب برای خرید یا اجاره‌ی منزلی نزدیک منزل والدین و ... ، اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشند این که حتی اگر منزل فرزند از منزل والدینش دور باشد، او توانایی برقراری عدالت را داشته و بتواند نیازهای والدینش را برآورده کند. بنابراین مفهوم خانواده و نگه‌داشتن و حفظ پایداری آن بستگی زیادی به آموزشهایی دارد که از بطن خود خانواده برخاسته و در دیگر نهادهای جامعه مانند مدرسه تقویت می‌شود. برنامه‌ریزی برای هدفمندی این آموزشها باید در اولویت قرار بگیرد.

پیشنهادات پژوهشی

- انجام پژوهشی به منظور بررسی انسجام معاشرتی و اظهاری و نقش آنها در کیفیت زندگی والدین سالمند
- انجام پژوهشی به منظور بررسی انسجام معاشرتی و اظهاری و نقش آنها در رضایت از زندگی زناشویی فرزندان ازدواج کرده
- انجام پژوهشی در خصوص بررسی تأثیر انسجام معاشرتی و اظهاری بر روابط میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌هایشان
- انجام پژوهشی جهت بررسی رابطه انسجام معاشرتی و اظهاری با دیگر ابعاد انسجام خانوادگی

منابع

- آوتویت، ویلیام؛ تام باتامور، (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی_ قرن بیستم، ترجمه حسن چاووشیان، نشر نی.
- پاپالیا، دایان ای؛ سالی وندکاس الیز؛ روت داسکین فلدمن، (۱۳۹۰)، روانشناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داوود عرب قهستانی؛ دکتر سیامک نقشبندی؛ افسانه حیات روشنائی؛ هامایاک آوادیس یانس؛ دکتر حمیدرضا سهرابی؛ فروزنده داور پناه؛ تهران، انتشارات رشد.
- سایت مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>
- سگالن، مارتین، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- سیف، سوسن، (۱۳۶۸)، تئوری رشد خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
- عبدی، عباس، (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش و جامعه شناسی خانواده در ایران، نشر نی، چاپ اول.
- فاتحی‌زاده، مریم؛ فاطمه بهجتی اردکانی و احمدرضا نصرآصفهانی، (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، صص ۱۱۷-۱۳۵.
- گزیده نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵
- مک کارتی، جین رینز؛ روزالیند ادواردز، (۱۳۹۰)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمد مهدی لیبی، نشر علم، چاپ اول.
- Bengtson, Vern L and Robert E.L. Roberts, (1991). Intergenerational Solidarity in Aging Families: An Example of Formal Theory Construction, *Journal of Marriage and Family*, 53(4), PP. 856-870.
- Bozhenko, Elina (2011). Adult Child-Parent Relationships: On the Problem of Cassification, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, PP. 1625 ° 1629.
- Holdsworth, Clare (2004). Family support during the transition out of the parental home in Britain, Spain and Norway, *Sociology*, 38(5), 909-926.
- Spitze, Glenna, Mary p.Gallant, (2004). The Bitter With the Sweet, Older Adults Strategies for Handling Ambivalence in Relations With Their Adult Children, *Research on Aging*, 26(4), 387-412 .
- Sutor , J.Jill, Karl Pillemer(2007). Mother s Favoritism in Later Life: The Role of Children s Birth Order , *Research on Aging* , 29(1) ,32-55.
- Tolkacheva, Natalia, Marjolein Broese van Groenou, and Theo van Tilburg (2010). Sibling Influence on Care Given by Children to Older Parents, *Research on Aging*, 32(6), 739-759
- Varga, A. (2011). Introduction in to the Family Systems Therapy. (2nd ed.). Moscow: Cogito.
- Ward, Russell , Glenn Deane and Glenna Spitze, (2014).Life ° Course Changes and Parent ° Adult Child Contact, *Research on Aging*, 36(5), 568-602

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی